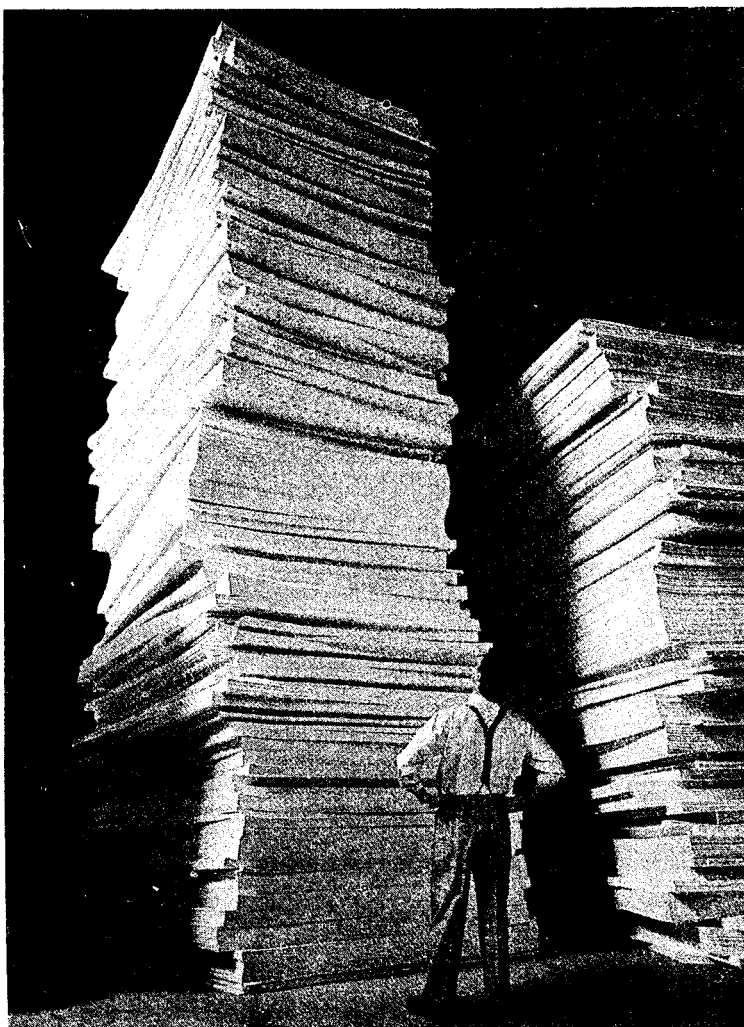


از استانبول تا قاهره



پاشا با تأسیسات آموزشی دیگری به نام خود وقف همگان کرده است. از این نوع وقفیات در ترکیه زیاد دیده می‌شود، روش نیکویی که در ایران نیز باعث خیرات کثیر بوده است. کتابخانه ۱۲۶۰۵ جلد کتاب دارد که ۱۲۷۸ جلد آن خطی و بقیه چاپی است^۱ و بیشتر آنها چاپ سنگی و نادر است. کتابهای خطی به زبانهای عربی، فارسی و ترکی است. پیشینه زبان عربی و فارسی در ترکیه بسیار دیرین است. ناصر خسرو در سفرنامه‌اش می‌نویسد که مردمان شهر اخلاط (شهری در ساحل غربی دریاچه وان)^۲ به زبانهای تازی، فارسی و ارمنی صحبت می‌کردند.

در فضای داخلی کتابخانه صندوق ضریح‌مانندی در وسط قرار دارد که مخزن کتابهاست و در اطرافش میز و صندلی برای مراجعان چیده شده است. ساعت ۱۰ صبح است و هنوز کسی برای مطالعه مراجعه نکرده است. مخزن گردگرفته شعر صائب را تداعی می‌کند:

اگر سخن ز کسادی نشد به خاک برابر

چرا به هم چو زنی، گرد از کتاب برآید

گردانندگان کتابخانه با ورود نابهنگام ما در محلهای خود مستقر می‌شوند. به ترکی با کمک گرفتن از ترکی دانی جناب آقای عبدا... نجفی از آنان پرسشهایی می‌کنیم. بیشتر پاسخها ما را به کتابخانه سلیمان سلیمان ارجاع می‌دهند. کتابخانه سلیمان برای مجموعه‌های خطی و قدیمی به عنوان مرکز سازماندهی عمل می‌کند.

در کتابخانه برگه‌دان وجود ندارد. فهرست کتابها را می‌خواهیم، مسئول کتابخانه از کشوی میزش کتابچه‌ای را مقابلمان می‌گذارد. کتابچه‌ای

مشغول بافتنی است! بر سردر عمارت با خط زیبای نستعلیق ابیاتی به ترکی نوشته شده و از آن میان:

بو کتابخانه علم‌اولدی به توفیق خدا

وقف صدرالوزراء حضرت راغب‌پاشا

این کتابخانه را در سال ۱۷۶۳ راغب‌محمد

در خیابان پر ازدحام اردو یا «اردو جاده‌سی» در بخش اروپایی استانبول بر سردر ساختمان شماره ۲۲۵ آیه‌ای به زیبایی تمام حکاکی شده است: «فیها کتب قیمه». وارد می‌شویم، حیاط پرسبزه و معماری عهد عثمانی آن به آرامشمان می‌خواند. یکی از کتابداران در سایه درخت



که چاپ سنگی و از اسناد نفیس است و آن قدر ورق خورده که گوشه‌هایش آسیب دیده است.

در این فهرست کتابی از ملاصدرا جلب توجه می‌کند، درباره آن از کتابدار پرسشهایی می‌کنیم. مثل اینکه پرسش نابجایی کرده باشیم مسئول کتابخانه نگاه عاقلانه‌ای می‌کند و می‌گوید «این خط را نمی‌توانم بخوانم» و وقتی می‌شنویم که ایشان فارغ‌التحصیل رشته تاریخند ما نیز متحیرانه وی را می‌نگریم در دل می‌گوییم «رب زدنی تحیراً!» و در حالیکه از این بریدگی فرهنگی به قول بیدل دهلوی نمی‌دانیم «خنده گرییم» یا «گریه خندیم» از کتابخانه راغب‌پاشا خارج می‌شویم.

مرحوم علی شریعتی می‌گوید: «وجدان تاریخی» ویژه یک روح متمدن است، حفظ، احیاء و شناخت این آثار که از گذشته‌ای مداوم و قرنها و نسلهای مدفون حکایت می‌کنند، تنها یک ارزش احساسی و هنری و کنجکاوانه ندارد، بلکه تداوم جریان تاریخی و پیوستگی فرهنگی و روح ملی را تحقق می‌بخشد و «اتصال تاریخی» پیوند نسل حاضر را با گذشته‌اش که در آن شخصیت گرفته است، انجام می‌دهد. استعمار کوششهای علمی و جامعه‌شناسی بسیار پیچیده و عمیقی انجام داده است، تا «شبه متمدن»هایش را در کشورهای متمدن اسلام و هندوچین به گونه‌ای «بسازد» که پیشرفت و تجدد را با سنت و تاریخ متناقض بدانند و بنام رأیسم و ترقی، گذشته را نفی کنند و تاریخ خویش را محو سازند و از آن با کینه و نفرت بسیاری که نشانه امروزی بودن و تواندیشی است! بگیرزند.^۳

در ترکیه پیشینه این گسستگی و بریدگی از گذشته، به دوران مصطفی‌کمال‌پاشا برمی‌گردد. اگرچه حرکت او را نیز باید معلول فساد و سستی و بی‌ریسگی ارکان خلافت عثمانی دانست. چه در آن زمان اندیشمندانی مثل علامه اقبال نیز با

الغای خلافت عثمانی نه تنها موافق بودند بلکه آن را از دست رفته می‌دانستند.^۴

به هر رو، آتاتورک پس از به قدرت رسیدن و اعلام حکومت غیرمذهبی در ۱۹۲۰ تقویم هجری قمری را تغییر داد و آن را منطبق بر تقویمهای اروپایی کرد. در سال ۱۹۲۸ خط را نیز تغییر داد و از اول سپتامبر ۱۹۲۹ تدریس زبان عربی و فارسی را رسماً ممنوع کرد. او بدان حد به عربی‌زدایی پرداخت که دستور داد به ترکی اذان بگویند!^۵ اخلاف وی نیز کم‌وبیش راه او را پیموده‌اند. یکی از دانشجویان کارشناس ارشد رشته تاریخ در دانشگاه استانبول می‌گفت لطمه‌ای را که مصطفی‌کمال بر ترکیه وارد کرده است مغول بر شما وارد نکرده است. یکی از استادان دانشگاه ترکیه در مقاله‌ای که در ایفلا ارائه شد علت موفقیت سوادآموزی در ترکیه را تغییر خط و دلیل تغییر خط را نامناسب بودن الفبای عربی برای زبان ترکی! و گران بودن استفاده از چاپگر برای الفبای زبان عربی برشمرده‌اند!^۶ زبان قطع ارتباط ملتی با فرهنگ مکتوب گذشته‌اش و چابیده شدن فرهنگیش دیده نمی‌شود، اماگرانی چاپگر دیده می‌شود. یاد آسمان ریسمانهای شبه روشنفکران آریامهری دیار خودمان می‌افتم.

شاندل می‌گوید: «یکی از مشخصات متمدن که او را از وحشی و بدوی متمایز می‌سازد داشتن وجدان تاریخی و معرفت و عشق به تاریخ است.»^۷ اصرار هفتادساله حکومت ترکیه برگسستن از گذشته و لامذهبی و مبارزه با هر نوع گرایش آشکار مذهبی و روآوری بی‌قید و شرط به غرب «بحران هویت» آشکاری را در ترکیه پدید آورده است. این بحران بیشتر دامنگیر شهرهای بزرگ از جمله استانبول شده است. جامعه‌ای که در آن فساد اداری و رشوه‌خواری حالتی نیمه‌رسمی به خود گرفته است و فاسدان

به عنوان موقفان جامعه در وسایل ارتباط جمعی معرفی می‌شوند و طلاق و خودکشی در آن بشدت افزایش یافته است. مثلاً در این جامعه آزادی را در این معنا کرده‌اند که همجنس‌بازان کلوب مخصوص و آزادی تظاهرات داشته باشند^۸ و نشریات وقیح‌نگار در بسیاری از کتابفروشیهایش عرضه شود، در حالیکه در همین جامعه به گفته رئیس‌جمهورش، سلیمان دمیرل، هر نوع صفت‌بندی میان لائیک‌ها و آنتی‌لائیک‌ها موجب نابودی ترکیه می‌شود لذا باید به شدت با آن برخورد شود.^۹

در این کشور اگرچه برای نزدیکی به جامعه اروپا «آزادی» را شعار خود قرار داده‌اند، اما فقط در سال ۱۹۸۶ به جرم تبلیغ برای جدایی کردها، یا اظهارنظر درباره آرامنه، ۳۹ تن کتاب و نشریه از جمله ترجمه ترکی بریتانیکا! خمیر شده است، و یا دانش‌آموزانی که در تکالیف درسی‌شان از رئیس‌جمهور وقت (اوزال) انتقاد کرده بودند محاکمه شده‌اند.^{۱۰}

به نظر می‌آید در ترکیه آزادی بیشتر در ساحت اباحت‌گری و انقطاع از گذشته معنا می‌یابد. وقتی می‌بینی علاوه بر شبکه‌های ماهواره‌ای دو کانال اسرائیلی در بیشتر ساعات برای این مردم برنامه پخش می‌کنند و کانالهای داخلی هم دست کانالهای خارجی را در اشاعه اباحت و لاقیدی از پشت بسته‌اند و سعادت برنامه‌ریزی برای تداوم این بریدگی بیشترلمس می‌شود. این در حالی است که پژوهش انجام‌شده در سال ۱۹۹۰ بیان می‌کند که دسترسی مردم ترکیه به تلویزیون بیش از دسترسی‌شان به آب جاری است!^{۱۱} ثمرات شناساوری در «جاری تلویزیون» را از رفتار و حرکات بسیاری از استانبول‌نشینان می‌توان دریافت.

حاصل آن گسستگی از گذشته و

دست‌اندازی به ساحت اندیشه و این تبلیغ گسترده فرهنگ بیگانه، به وجود آمدن نسلی است که به نظر می‌رسد با تمام پیشینه دیرین این مرزوبوم، در وادی کتاب و کتابت حرفی برای گفتن نداشته باشد.

آمار و بازدیدهای رسمی شاید وضع رابه گونه مثبت‌تری ترسیم می‌کنند. ولی در این بازدیدها چون همه چیز از پیش آماده و واکس خورده است ترسیم درستی از واقعیت صورت نمی‌گیرد.

روزهای پیش از کتابخانه اتاق بازرگانی، کتابخانه و مرکز اطلاعات زنان ترکیه، کتابخانه دبیرستانی گالاتاسرای و کتابخانه دانشگاه استانبول به طور رسمی بازدید کردیم و گزارشهایی نیز از مسئولان این کتابخانه‌ها و سایر مسئولان کتابداری ترکیه شنیدیم. اگر فقط بخواهیم به آن شنیده‌ها و دیده‌های بزرگ شده! اکتفا کنیم باید بگوییم وضعیت کتاب و کتابخانه در ترکیه بسیار مطلوب و در سطح بسیار پیشرفته‌ای است.

مثلاً باید بگوییم بیشتر از یک‌سوم جمعیت ترکیه یعنی ۲۳ میلیون نفر عضو ۱۱۱۷ کتابخانه عمومی هستند،^{۱۲} یعنی میانگین اعضای کتابخانه عمومی ۲۰۵۹۰ نفر است. روشن است که کتابخانه عمومی استانبول که حالتی مرکزی و مادر را برای سایر کتابخانه‌های عمومی شهر دارد باید تعداد اعضایش بیش از اینها باشد.

حال به گزارش بعدی توجه فرمایید: در همان خیابان اردو که کتابخانه راغب پاشا در آن است، بدون اطلاع قبلی به کتابخانه عمومی استانبول (کتابخانه خلق استانبول) وارد می‌شویم.

این کتابخانه در سال ۱۹۱۱ با نام کتابخانه ملت در ساختمان دیگری شروع به کار کرده و از سال ۱۹۶۲ نیز با نام کتابخانه عمومی استانبول ادامه

کار داده است. در سال ۱۹۸۱ به ساختمانی که در فاصله سالهای ۱۴۷۰ - ۱۴۷۵ ساخته شده منتقل شده است.^{۱۳}

طبقه اول آن مرکز اسبابی کتابهای چاپی است و دو طبقه دیگر با ۱۵۰۰ مترمربع به کتابخانه عمومی اختصاص یافته است. یک سالن برای قرائت خانه و مخزن و دو سالن دیگر برای کودکان و کنفرانس مهیا شده است.

مجموعه کتابخانه ۴۰۰۰۰ جلد کتاب است که به روش دیویدی رده‌بندی شده و دارای فهرست ساده توصیفی است. ساعات کار کتابخانه همه‌روزه به جز روزهای تعطیل از ساعت ۹ صبح تا ۵ بعد از ظهر است و فقط کتابهای داستان را می‌توانند امانت بگیرند.

در گفتگو با یکی از کتابداران این کتابخانه به نظر آمد که میزان اطلاعات کتابداری بسیار کمی دارد. از ۴۲۶۶ نفر از کارکنان ۱۱۱۷ کتابخانه عمومی، فقط ۴۱۸ نفر آموزش حرفه‌ای دیده‌اند، یعنی برای هر کتابخانه ۰/۳۷ نفر نیروی تعلیم دیده دارند!^{۱۴}

جالب است که در مقاله دیگری که در ایفلا ارائه شد تعداد کتابخانه‌های عمومی ۱۱۸۴ و تعداد کارکنان ۳۵۰۹ نفر ذکر شده که از بین آنان فقط ۵۰۳ نفر کتابدارند.^{۱۵}

به گفته کتابداران این کتابخانه تعداد مراجعان در روز ۳۴۰ نفر است. در ساعت ۱۱ صبح که در آنجا بودیم کتابخانه مراجعه‌کننده‌ای نداشت! عجیب است که در کتابخانه راغب پاشا نیز کسی برای مطالعه مراجعه نکرده بود. مسئولان آن کتابخانه نیز می‌گفتند که روزانه ۵۰ تا ۶۰ نفر مراجعه می‌کنند. اما دفتر آمارشان نشان می‌داد که در روز گذشته فقط ۷ مراجعه‌کننده داشته‌اند! به نظر می‌آید اعلام آمار مثل دیار خودمان از دقت بالایی برخوردار نباشد و فقط برای حفظ آبرو و حیثیت عدد چشم‌نوازی اعلام می‌شود.

حدود سی سال پیش مرحوم دکتر شریعتی بازدیدی از ترکیه داشته و می‌نویسد: "به کتابخانه استامبول رفتم و آن همه آوازه‌ای که در عالم فرهنگ و تاریخ و کتاب دارد. گنجینه‌ای که در طول قرنهای پرشکوه و پرقدردت اسلامی فراهم آمده است. دیدم که تالار کتابخانه شکوه دیرینه را حکایت می‌کند، اما بر روی صندلی‌های این تالار وسیع گوشه و کنار چند تا مستشرق، پشت نسخه‌های خطی نشسته‌اند و از مردم ترکیه فقط مرحوم احمد آتش را دیدم که فارسی‌دان مشهوری است و می‌تواند این خطهای یادرفته را بخواند و دیگران به این کتابها، که گنجینه فرهنگ و معنویت و گذشته و شخصیت آنهاست، همچنان نگاه می‌کنند که ما به کتیبه‌های میخی بر دیوارهای تخت جمشید! و دانستم که باید اول ... جوان تحصیلکرده را با این گذشته بیگانه کرد تا به او فهماند که آری، تو فقط چهل سال تاریخ داری! تو ملتی هستی هم عمر کشورهای افریقایی نوظهور مثل چاد و توگو و کنگوی و برازاویل و اتحادیه افریقای جنوبی! آن هم تاریخی که با شکست آغاز می‌شود! یعنی تو هیچی نیستی، هیچی نبوده‌ای، مائیم که تو را لباس پوشانده‌ایم، زندگی آموخته‌ایم، اندیشیدن و دانش و زبان و کتاب و دانشگاه و تمدن و... هر چه اکنون داری عطیه ماست."^{۱۶}

در استانبول کتابفروشیها هم مثل کتابخانه‌ها کم‌مشتتری‌ترین‌اند. کساد بازار کتاب و کتابخوانی و رونق دیگر بازارها و عرضه‌ها و سکوت وهم‌انگیز سالن کتابخانه عمومی استانبول در ساختمانی با عمر بیش از ۵۰ سال مرا به یاد این کلام شمس انداخت:

هنوز ما را "اهلیت گفت" نیست!

کاشکی "اهلیت شنودن"

بودی!

"تمام گفتن" می‌باید و "تمام شنودن"



بر دلها، مهر است

بر زبانها، مهر است

و بر گوشها، مهر است^{۱۷}

در ۱۹۹۲ در این کشور ۶۵۲۹ عنوان کتاب منتشر شده. در همین سال در فرانسه ۴۵۳۷۹ عنوان کتاب منتشر شده است. میزان مصرف سرانه کاغذ روزنامه در ترکیه ۲/۸ و در کانادا ۸/۶ کیلوگرم است. سرانه مصرف کاغذ چاپ و نوشتن در ترکیه ۳/۳۲ در کانادا ۸۴/۹۲ و در ایران ۳/۳۹ است.^{۱۸}

در ترکیه علت عدم اقبال به کتابخوانی و نشر و کتابخانه را نمی‌توان میزان بیسوادی دانست. در این کشور ۸۲/۳ افراد بالای شش سال باسوادند^{۱۹} و از این لحاظ نسبت به بسیاری از کشورهای آسیایی وضعیت بهتری دارد.

به نظر می‌آید همچون بسیاری از کشورهای جنوب علت این کاستی را باید در نهادینه نبودن پژوهش و خواندن در کلیت نظام تعلیم و تربیت آن کشور و همچنین درونزا نبودن توسعه و انفصال فرهنگی دانست.

جریانهای سیاسی حاکم بر ترکیه و وضعیت اقتصادی نیز بر نشر و کتابخوانی تأثیر داشته است. از سال ۱۹۶۱ تا ۱۹۸۰ وضعیت نشر در مجموع وضعیت مطلوبی را یافته بود. در سال ۱۹۸۰ پس از کودتا و تغییراتی که در قانون مطبوعات صورت گرفت و هم به علت بالاگرفتن قیمتها افول قابل توجهی در نشر کتاب و مطبوعات دیده شد.^{۲۰}

درباره وضعیت جامعه کتابخوان ترکیه نکات ذیل را می‌توان برشمرد:

- علی‌رغم دین ستیزی حکومت ترکیه، علاقه جامعه کتابخوان ترکیه به کتابهای مذهبی فزونی یافته است. فقط طی یکسال احیاءالعلوم غزالی ۲۰۰۰۰۰ نسخه فروش داشته است.

- تورم شدید ترکیه باعث کاهش قدرت خرید

کتاب شده است. در سال ۱۹۸۸ کتاب در ردیف یکصد و شصت و چهارمین احتیاجات جامعه ترکیه بوده است.

- توده کتابخوان را غالباً دانشجویان، دانش آموزان و آموزگاران تشکیل می‌دهند.

- ترجمه ترکی بسیاری از کتابهای دکتر علی شریعتی و شهید مرتضی مطهری در ترکیه انتشار یافته است.^{۲۱}

- با آنکه چاپ روزنامه برای کودکان از سال ۱۸۶۹ در این کشور سابقه دارد اما به علت کمی درآمد ناشران، نویسندگان و تصویرپردازان کتابهای کودکان، فعلاً این حوزه وضعیت مطلوبی ندارد.

- کودکان معمولاً کتابهای دلخواه خود را نمی‌یابند.^{۲۲}

- نظام آموزشی ترکیه به گونه‌ای است که سبب رشد مطالعه غیردرسی نمی‌شود.

- کتابخانه‌های آموزشی در ترکیه بدرستی به وظایف خود عمل نمی‌کنند.^{۲۳}

- از اکتبر ۱۹۸۳ هر گونه بیان یا نشر اندیشه به زبانهای ممنوعه! ممنوع شده است؛ و این ممنوعیت شامل نوارهای کاست، صفحات موسیقی، پوسترها و ... می‌شود. زبان کردی نیز در موارد بسیاری شامل این منع می‌شود.^{۲۴}

دولت ترکیه سالهاست قوم‌گرایی کردها را بشدت سرکوب کرده و حتی با کمترین حرکت فرهنگی آنان مخالفت ورزیده است، ولی خود به شدت ترک‌گرایی را ترویج کرده و در گسترش آن کوشا بوده است. پان‌ترکیسم با استقلال جمهوریهای آسیای میانه و وسعت دامنه بیشتری پیدا کرده و میزان سرمایه‌گذاری اقتصادی و فرهنگی در این جمهورها به شدت افزایش یافته است. فقط در جمهوری ترکمنستان ۸ مدرسه شبانه‌روزی توسط ترکیه تأسیس شده است و پوشش کانال تلویزیونی ترکیه در این جمهوری

در ترویج این اندیشه می‌تواند نقش کلیدی داشته باشد.^{۲۵}

از این نفوذ ترکیه در منطقه، اسرائیل به شدت نگران است. رئیس ستاد ارتش اسرائیل در ۱۹۹۱ گفته بود که گسترش خارج از کنترل روابط ترکیه با جمهوریهای تازه استقلال یافته توازن قوا را در منطقه برهم خواهد زد و کیان غیراسلامی را به خطر خواهد انداخت.^{۲۶} با توجه به اینکه اسرائیل سودای تسلط فرات را در سر دارد و ترکیه هم غرب اسرائیل را بخشی از تمدن خود می‌داند^{۲۷} به نظر می‌آید که توافق اخیر نظامی این دو کشور مصداق کامل «یک بستر و دو رؤیا» باشد.

در مراسمی که از سوی وزارت فرهنگ ترکیه برقرار شده بود برنامه‌های جالب و عبرت‌آموزی اجرا شد. یکی از این برنامه‌ها اجرای سرودهای جنگی بود. تقریباً تمامی این سرودها برگرفته از قرآن‌کریم و دربرگیرنده آیات جهاد و فتح بود. و در برنامه دیگری سرود وحدت شرقی ترکها و اینکه: ای ترکمن، ای گرجستانی، ای آذربایجانی، بسایید تا کشوری آباد و آزاد را پدید آوریم! گوشه‌ای از همین سرود را آقای دمیرل نیز در مراسمی که از تلویزیون پخش شد، خواند.

به نظر می‌آید به آن حد که ترکیه در درون مرزهایش لائیسزم را تبلیغ می‌کند در کشورهای دیگر، البته به جز کشورهای اروپایی، سعی ندارد چندان ضد‌مذهب جلوه کند.

تأثیر دین‌زدایی بیشتر در شهرهای بزرگ مشهود است. اگرچه میزان این اثر در این شهرها نیز قابل تأمل است:

در «میدان تقسیم» که از نقاط مرفه‌نشین استانبول است، بر ده‌ای پوستری نصب شده که تصویر رزمنده بوسنیایی را بایشانی‌بندی با شعار لااله الاالله نشان می‌دهد و در همین دکه نشریات وقیح‌نگار نیز به فروش می‌رسد. استانبول شهر

6. Bengu Capar, *Foundation Literacy and Information Retrieval in Turkey*, Booklet 7, 61st IFLA General Conference, (Istanbul: 1995), P. 69.

۷. علی شریعتی، همان منبع.

۸. شادان پروند و زهراسبخانی، زمینه شناخت جامعه و فرهنگ ترکیه (تهران: مرکز تحقیقات فرهنگی بین‌المللی، ۱۳۷۳)، ص ۷۶ - ۷۷.

۹. "جنگ لائیک و آنتی لائیک"، *جمهوری اسلامی* (شماره ۲۳۰۴۹۲۵ خرداد ۱۳۷۰)، ص ۱۰.

10. *Information freedom and Censorship: World report 1991* (London: Library Association, Publishing 1991), pp.329-330.

11. Ibid

۱۲. مصطفی آغبلوت و دوگان آتلیگان، «کتابخانه‌ها و کتابداری در ترکیه»، ترجمه عبدالله نجفی، فصلنامه کتاب، دوره ششم، شماره سوم و چهارم (پائیز و زمستان ۱۳۷۴)، ص ۱۲۱.

13. Hasan S. Keseroglu, Ibid. P. 74 - 75.

۱۴. مصطفی آغبلوت، همانجا.

15. Tulin Saglamtunc, *Modern Turkish Public Libraries: Recent Developments*, booklet 3 61st IFLA General Conference (Istanbul: 1995) p.9

۱۶. علی شریعتی، همان، ص ۱۱۶.

۱۷. ناصرالدین صاحب‌الزمانی، خط سوم: درباره شخصیت، سخنان و اندیشه شمس تبریزی (تهران: عطایی، ۱۳۵۱)، ص ۱۳.

۱۸. ایران در سالنامه آماری ۱۹۹۴ یونسکو، نمایندگی دائم جمهوری اسلامی ایران در یونسکو، فروردین ۱۳۷۴، ص ۲۰ و ص ۳۲.

19. *Unesco Statistical Yearbook 1995* (Paris: Unesco Publishing, 1995).

۲۰. شادان پروند، همان، ص ۱۷۱ و ۱۷۲.

۲۱. همان، ص ۱۷۲ - ۱۷۶.

22. Fatih Erdogan, *Children's Literature in Turkey*, booklet 3, 61st IFLA General Conference (Istanbul, 1995) p. 74 - 77.

23. Bengu Capar, Ibid, P. 70.

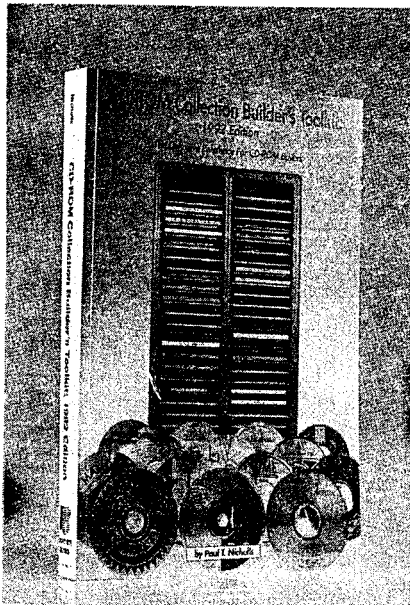
24. *Information freedom and Censorship: World report*, p. 327.

۲۵. "زین قند پارسی، ... زبان و ادبیات فارسی در آسیای مرکزی"، ایران (شماره ۴۱۵، ۱۹ تیرماه ۱۳۷۵)، ص ۲.

۲۶. جواد انصاری، همان، ص ۳۰۹.

۲۷. همان، ص ۲۶۹.

۲۸. "ایران در سالنامه آماری ۱۹۹۴ یونسکو"، همان، ص ۲۰.



سه کشور ترکیه، مصر، و ایران از جهات بسیاری به هم شبیه هستند و پیوند دارند.

پیوند آنان چنان ریشه در تاریخ دارد که غیرقابل انکار است. مشترکات فرهنگی، دین، وضعیت جغرافیایی و ... همانندیهای بسیاری را سبب شده است. آمار فوق اگر صحیح باشد بسیار قابل تأمل و دقت است.

مآخذ

1. Hasans Keseroglu, *Libraries of Istanbul* (Istanbul: Turkish Librarian' Association Istanbul Branch, 1995), P. 29

۲. محمد معین، فرهنگ فارسی. ذیل «اخلاط»

۳. علی شریعتی، بازگشت، مجموعه آثار ۴ (تهران: انتشارات الهام، ۱۳۶۹)، ص ۱۱۳.

۴. محمد اقبال لاهوری، احیای فکر دینی در اسلام، ترجمه احمد آرام (تهران: مؤسسه فرهنگی منطقه‌ای، ۱۳۶۶)، ص ۱۸۱.

۵. جواد انصاری، ترکیه در جستجوی نقش تازه در منطقه (تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۷۳)، ص ۲۹ - ۳۰

تضادهاست، در همین میدان که شناسایی ترک از غیرترک با توجه به شباهت پوششها میسر نیست و کاپاره‌ها و سینماها به شدت فعالند، روز جمعه که روز تعطیل هم نیست - صف نمازجمعه بعضی مساجد تا خیابانهای همین میدان ادامه می‌یابد.

* * *

وقتی از فرودگاه استانبول، هواپیما به سمت قاهره اوج می‌گیرد، بسفر، نقره‌فام می‌درخشند و همچون شعاع نوری استانبول و بلکه ترکیه را دو قسمت کرده است. رئیس کتابخانه ملی ترکیه می‌گفت که استانبول مانند کتابی است که بسفر عطف آن است و یک صفحه آن اروپا و صفحه دیگرش آسیاست. البته باید اضافه کنیم که قسمت آسیایی ۹۷ درصد و قسمت اروپایی ۳ درصد کل خاک ترکیه را تشکیل می‌دهد، ۳ درصدی که اصرار دارد ۹۷ درصد دیگر را نیز در خود جای دهد!

هواپیما از سرزمینی فاصله می‌گیرد که مهد تمدن بیزانس و روم شرقی بوده و تاریخش بیش از هزارسال بیانگر قدرت نظامی و فرهنگ و علم و ایمان و تمدن این ملت بوده است و اکنون نسلی در آن می‌زید که نگرش تاریخی‌اش از ۱۹۲۲ فراتر نمی‌رود و نمی‌تواند برود. اگرچه پس از گذشت ۷۰ سال به نظر می‌آید خیزشها و جریانهای فکری اصیلی در این سرزمین در حال شکل‌گیری و بلوغ است.

در حالیکه به سرزمین پر رمز و راز مصر نزدیک می‌شوم. جدولی در جزوه آمار یونسکو جلب توجه می‌کند.